





دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه حقوق

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق خصوصی

عنوان:

« نقش اسناد عادی در اثبات مدنی »

استاد راهنما :

دکتر عباس زراعت

استاد مشاور :

دکتر قاسم شفیعی

توسط :

عارفه حمامیان وادقانی

تیر ۱۳۹۳

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم، آنان که وجودم، برایشان همه نخب بود و وجودشان برایم سراسر مهر، توانشان رفت
تابه توانی برسم، مویشان سپیدگشت تا رویم سپید بماند آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی
رویشان، سرمایه های جاودان زندگی من است. آنان که راستی قائمتم، در سلگسگی قاتشان تجلی یافت.
در برابر وجود کرامیشان، زانوی ادب بر زمین می نهم و بادلای علو از عشق، محبت و خضوع بر
دستانشان بوسه می زنم.

مشکر و قدردانی

سپاس بی قیاس پروردگار متان را که انسان، این اشرف مخلوقات را آفرید و با ودیعه می گوهر بی مثال عقل در وجودش، او را شنوایی زمرمه می حقیقت در کوچه سار شب قرار داد تا با آن وجودتشی می خویش را سیراب نماید. همین گوهر کرانهای تکثر بود که منزلت اساتید محترم را در راستای آموزش جلوه گر نمود. لذا بر خود لازم می دانم از کلیه می اساتید محترم و ارجمند دانشمندی حقیقت و انشگاه کاشان که به راستی گوگردایت من در این طریق بودند، تقدیر و تشکر نمایم و با مشکر از استاد فرید و فرزانه جناب آقای دکتر عباس زراعت و همچنین جناب آقای دکتر قاسم شفیع که بی مدد الطاف ایشان کاری از پیش نمی رفت. این اثر را به محضر این اساتید بزرگوار پیشکش میکنم و امیدوارم با توجه به قلت دانش و اطلاعات این حقیر مقبول طبع نقاد ایشان قرار بگیرد.

همچنین در پایان لازم است از اساتید محترم داور، جناب آقای دکتر عبدالمطلب احمدزاده و

دکتر محمد مهدی معزادی کمال مشکر و قدردانی را به عمل بیاورم.

چکیده

هر شهروندی صرفنظر از حقوق ماهوی، حقوقی نیز در مرحله اثبات دارد. لذا در میان مباحث حقوقی، ادله اثبات دعوا از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این میان، سند عادی که بدون هیچ تشریفات به صرف اراده اطراف معامله، تنظیم می شود و به بازسازی انشای عقود در زمان ترفع می پردازد، اهمیتی دوچندان یافته و اکثر تأملات حقوقدانان را به خود اختصاص داده است ولی از آنجایی که حجم عمده ای از این نوشتارها، به بررسی دادرسی اسناد می پردازد؛ این نوشتار درصدد تبیین «نقش اسناد عادی در اثبات مدنی» با وجود رقبایی قدرتمند چون شهادت شهود و سند رسمی است که آن را با چالش هایی روبه رو نموده است. زیرا از یک طرف مشهور فقها، سند را در مقایسه با شهادت، دلیل اثبات دعوا ندانسته و اصل را بر بی اعتباری آن می گذارند، درحالیکه قانون مدنی در ماده ۱۳۰۹، «اثبات خلاف مندرجات اسناد رسمی و اسنادی که اعتبار آن در محکمه محرز شده است» را با شهادت ممکن نمی داند. از طرف دیگر حقوقدانان با ظهور سند رسمی و تصریح قوانین خاص به لزوم تنظیم این سند در برخی معاملات، سند عادی را فاقد قدرت اثباتی در این معاملات دانسته و با مقایسه اعتبار این دو سند، اصل را بر بی اعتباری سند عادی می گذارند. لذا این نوشتار ضمن تبیین ماهیت سند عادی در زمره دلایل اثبات دعوا، درصدد تأسیس اصل اولیه، در مورد اعتبار یا عدم اعتبار اسناد عادی است که امید است، راهگشا باشد.

کلمات کلیدی: سند عادی، سند رسمی، اثبات مدنی، تاریخ تحریر، تعارض ادله

((فهرست مطالب))

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱) موضوع تحقیق.....	۲
۲) پیشینه تحقیق.....	۴
۳) پرسش‌های تحقیق.....	۵
۴) روش تحقیق.....	۵
۵) ساماندهی طرح.....	۶
فصل اول: کلیات.....	
مبحث اول: مفاهیم بنیادین مرتبط با اسناد عادی.....	
گفتار اول: تعریف و ماهیت سند عادی.....	
بند اول: مفهوم سند.....	۹
الف) مفهوم لغوی سند.....	۹
ب) مفهوم خاص سند.....	۱۰
ج) سند در مفهوم اخص یا اصطلاح حقوق.....	۱۰
مقدمه اول: معنای حقیقی سند.....	۱۰
مقدمه دوم: وجه مشترک سند با سایر ادله.....	۱۱
مقدمه سوم: لفظ سند برای معنای صحیح وضع شده است یا اعم از صحیح و باطل را سند گویند؟.....	۱۱
بند دوم: ماهیت حقوقی اسناد کتبی در مقایسه با سایر ادله اثبات دعوا.....	۱۲
الف) تعریف ماهیت.....	۱۲
ب) تعیین ماهیت سند عادی.....	۱۲
بند سوم: نتیجه.....	۱۸
گفتار دوم: شرایط صحت تنظیم سند عادی.....	
بند اول: شرایط ماهوی.....	۱۹
الف) مبنای شرایط ماهوی.....	۱۹
۱) توافق بر تنظیم سند از صیغه عقود متمایز است.....	۲۰
۲) توافق بر تنظیم سند از صیغه عقود متمایز نیست.....	۲۱
۳) نتیجه.....	۲۱
ب) انواع شرایط ماهوی.....	۲۳
۱) قصد طرفین و رضای آنها.....	۲۳
۱-۱) قصد طرفین.....	۲۳
۱-۲) رضایت طرفین.....	۲۳
۱-۳) لزوم تسلیم ارادی سند.....	۲۳
۲) اهلیت طرفین.....	۲۴

۲۴	۲-۱) صدور سند توسط اصیل.....
۲۵	۲-۲) صدور سند توسط وکیل.....
۲۵	۳) موضوع سند.....
۲۶	۴) مشروع بودن جهت.....
۲۷	بند دوم: شرایط شکلی صحت تنظیم سند عادی.....
۲۷	الف) مبنای شرایط شکلی.....
۲۷	ب) انواع شرایط شکلی.....
۲۷	۱) نوشته بودن.....
۲۹	۲) درج امضاء، مهر یا اثر انگشت.....
۳۳	بند سوم: شرایط اعتبار اسناد عادی.....
۳۳	الف) مبنای شرایط اعتباری.....
۳۳	ب) انواع شرایط اعتباری.....
۳۳	۱) قابلیت استناد.....
۳۴	۲) عدم مخالفت با نظم عمومی.....
۳۴	۲-۱) عدم مخالف با اخلاق حسنه.....
۳۵	۲-۲) عدم مخالفت با قوانین آمره.....
۳۷	گفتار سوم: وجوه اشتراک و افتراق سند عادی و سند رسمی.....
۳۷	بند اول: وجوه اشتراک سند عادی و سند رسمی.....
۳۷	الف) مبنای وجوه اشتراک.....
۳۷	ب) وجوه اشتراک.....
۳۷	۱) هر دو دلیل اثبات دعوا هستند.....
۳۷	۲) هر دو جزء ادله تأمینی هستند.....
۳۸	۳) هر دو سند از اعتبار نسبی برخوردار هستند.....
۳۸	۴) هر دو سند در مقابل اشخاص ثالث قابلیت استناد دارند.....
۳۸	۵) هر دو سند دارای وصف کاشفیت هستند.....
۳۸	بند دوم: وجوه افتراق سند عادی و سند رسمی.....
۳۸	الف) مبنای وجوه افتراق.....
۳۹	ب) وجوه افتراق.....
۳۹	۱) از حیث قدرت اجرایی.....
۳۹	۲) از حیث اعتبار نسبت به اشخاص ثالث.....
۴۰	۳) از حیث دفاعیات خوانده.....
۴۰	۴) از حیث تسهیلات اثباتی.....
۴۱	۵) از حیث تسهیلات بازیابی.....

۴۱	از حیث محدودیت‌های تنظیم.....
۴۱	از حیث مرجع صدور.....
۴۱	از حیث قواعد اصلاح.....
۴۱	گفتار چهارم: مصادیق سند عادی.....
۴۲	بند اول: اقسام سند عادی به اعتبار نحوه تنظیم آن.....
۴۲	الف) سند عادی تشریفاتی.....
۴۳	۱) وصیت‌نامه‌های خودنوشت و سری.....
۴۳	۲) اسناد تجاری به مفهوم اعم.....
۴۳	ب) سند عادی غیر تشریفاتی.....
۴۴	بند دوم: اقسام سند عادی به اعتبار قدرت اجرایی آن.....
۴۴	الف) اسناد عادی لازم الاجراء.....
۴۴	۱) چک.....
۴۵	۲) قبوض اقساطی.....
۴۵	۳) قراردادهای بانکی که در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا منعقد می‌شود.....
۴۵	۴) اظهارنامه‌های ابلاغ شده ماده ۱۰ قانون تملک آپارتمان‌ها اصلاحی ۱۳۵۹.....
۴۵	۵) برگ وثیقه انبارهای عمومی.....
۴۵	ب) اسناد عادی محض.....
۴۶	بند سوم: اقسام سند عادی به اعتبار صورت آن.....
۴۶	الف) اسناد عادی مکتوب.....
۴۶	ب) اسناد عادی الکترونیکی.....
۴۸	مبحث دوم: تحولات اسناد عادی.....
۴۸	گفتار اول: تحولات اسناد عادی در عرف.....
۵۱	گفتار دوم: تحولات اسناد عادی در شرع.....
۵۴	گفتار سوم: تحولات اسناد عادی در حقوق ایران.....
۵۴	بند اول: قبل از اسلام.....
۵۴	بند دوم: بعد از اسلام.....
۵۴	بند سوم: بعد از مشروطه.....
۵۸	بند چهارم: بعد از انقلاب اسلامی.....
۶۰	بند پنجم: بعد از ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات.....
۶۰	گفتار چهارم: مزایا و چالش‌های اسناد عادی متأثر از این تحولات.....
۶۰	بند اول: مزایای اسناد عادی.....
۶۱	الف: مزیت‌های سند عادی نسبت به سایر اسناد.....
۶۱	ب: مزیت‌های سند عادی نسبت به سند رسمی.....
۶۱	۱) تسهیلات تنظیم.....

۶۲	نیاز بین‌المللی.....
۶۲	کاهش هزینه‌ها.....
۶۳	بند دوم: چالش‌های اسناد عادی.....
۶۳	۱) عدم پرداخت حقوق دولتی و سهولت ارتکاب جرم.....
۶۳	۲) فقدان اهلیت و اعتبار.....
۶۴	۳) فقدان ضمانت‌های اجرایی.....
۶۴	۴) عدم اعتبار نسبت به اشخاص ثالث.....
۶۴	۵) عدم وجود تسهیلات اثباتی.....
۶۴	۶) عدم امکان نظارت.....
۶۵	مبحث سوم: مفاهیم بنیادین مرتبط با اثبات مدنی.....
۶۵	گفتار اول: تعریف و ماهیت اثبات مدنی.....
۶۵	بند اول: مفهوم اثبات.....
۶۶	بند دوم: مفهوم مدنی.....
۶۶	بند سوم: مفهوم اثبات مدنی.....
۶۶	بند چهارم: ماهیت قواعد اثبات مدنی.....
۶۶	الف) قواعد ماهوی.....
۶۷	ب) قواعد شکلی.....
۶۷	گفتار دوم: موضوع اثبات مدنی.....
۶۸	گفتار سوم: اهمیت اثبات مدنی.....
۶۸	گفتار چهارم: مسئولیت اثبات مدنی.....
۷۰	فصل دوم: ارزش اثباتی سند عادی.....
۷۰	مبحث اول: توان اثباتی سند عادی.....
۷۰	گفتار اول: قدرت اثباتی سند عادی.....
۷۰	بند اول: دعاوی که در آن سند عادی فاقد قدرت اثباتی است.....
۷۱	بند دوم: دعاوی که در آن سند عادی دارای قدرت اثباتی است.....
۷۲	بند سوم: نتیجه.....
۷۲	گفتار دوم: ارزش اثباتی سند عادی در اقتناع وجدان قاضی.....
۷۳	گفتار سوم: طریقت یا موضوعیت داشتن سند عادی.....
۷۶	مبحث دوم: حدود اعتبار اسناد عادی.....
۷۶	گفتار اول: تأسیس اصل اولیه در خصوص اعتبار یا بی اعتباری اسناد عادی.....
۷۶	بند اول: تعریف و ماهیت اصل.....
۷۶	الف: مفهوم اصل.....
۷۷	ب: ماهیت اصل.....
۷۷	ج: نتیجه.....

بند دوم: مفهوم اعتبار.....	۷۸
گفتار دوم: نظریه اصل عدم اعتبار سند عادی.....	۷۹
بند اول: جایگاه این اصل در اقوال فقها.....	۷۹
بند دوم: جایگاه این اصل در نظریه‌های حقوقدانان.....	۸۰
گفتار سوم: نظریه اصل اعتبار سند عادی.....	۸۱
بند اول: جایگاه این اصل در اقوال فقه.....	۸۱
بند دوم: جایگاه این اصل در نظریه‌های حقوقدانان.....	۸۱
گفتار چهارم: قول مختار.....	۸۲
بند اول: جایگاه اسناد عادی در اصول حقوقی.....	۸۲
(۱) اصل حاکمیت اراده.....	۸۲
(۲) اصله الصحه.....	۸۳
(۳) اصل شفاهی بودن عقود.....	۸۳
(۴) عرف عقلاء یا بناء عقلاء.....	۸۴
(۵) قاعدة نفی عسر و حرج بر مردم.....	۸۵
(۶) اصل رضایی بودن عقود.....	۸۵
(۷) اصل لزوم قراردادها.....	۸۶
(۸) اصل تسلیط.....	۸۷
(۹) اصل آزادی تحصیل دلیل توسط اصحاب دعوا.....	۸۸
بند دوم: جایگاه اسناد عادی در قوانین موضوعه.....	۸۸
الف) جایگاه اسناد عادی در قانون مدنی.....	۸۸
(۱) ماده ۱۲۸۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.....	۸۸
ب) جایگاه اسناد عادی در قانون آیین دادرسی مدنی.....	۸۸
(۱) ماده ۲۱۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.....	۸۸
ج) جایگاه اسناد عادی در قوانین ثبتی.....	۹۰
(۱) ماده ۴۸ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۰
(۲) ماده ۲۲ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۱
(۳) ماده ۱۱۷ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۲
(۴) بند ۳ و ۴ ماده ۲۵ قانون ثبت اصلاحی ۱۳۵۱.....	۹۲
(۵) بند ۲ ماده ۳ و ماده ۴ لایحه قانون راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض مصوب ۱۳۳۳.....	۹۲
(۶) ماده ۷۲ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۳
(۷) ماده ۹۳ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۳
(۸) مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اصلاحی ۱۳۵۱.....	۹۳
(۹) ماده ۴۷ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰.....	۹۵

- ۹۶..... (۱۰) تبصرة ۳ ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مصوب ۱۳۱۷.....
- ۹۶..... (د) جایگاه اسناد عادی در سایر قوانین.....
- ۹۶..... (۱) ماده ۲۷۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹.....
- ۹۷..... (۲) تبصرة ۱ ماده ۱ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۳۹.....
- ۹۷..... (۳) تبصرة ۲ ماده ۱۹ قانون روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۵۶.....
- ۹۸..... (۴) ماده ۷ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶.....
- ۹۸..... (۵) ماده ۵۲ آیین نامه اجرایی قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۷.....
- ۹۹..... گفتار پنجم: نتیجه.....**
- ۱۰۰..... گفتار ششم: تفسیر اسناد و قواعد آن.....**
- ۱۰۱..... بند اول: تفسیر اسناد.....
- ۱۰۳..... بند دوم: قواعد حاکم بر تفسیر اسناد.....
- ۱۰۳..... الف: رعایت معانی عرفی.....
- ۱۰۳..... ب: تجزیه ناپذیری.....
- ۱۰۳..... ج: عدم تبعیت دادرسی از ظاهر عناوین سند.....
- ۱۰۴..... د: حاکمیت قوانین زمان تنظیم سند.....
- ۱۰۴..... ه: حاکمیت قوانین مکان تنظیم سند.....
- ۱۰۴..... گفتار هفتم: حدود اعتبار سند عادی نسبت به طرفین تنظیم کننده و اشخاص ثالث.....**
- ۱۰۵..... بند اول: حدود اعتبار سند عادی نسبت به طرفین و قائم مقام آنان.....
- ۱۰۵..... الف: اصل اعتبار سند عادی نسبت به طرفین و قائم مقام آنان.....
- ۱۰۸..... ب: دلایل اصل اعتبار سند عادی نسبت به طرفین و قائم مقام آنان.....
- ۱۰۸..... (۱) اصل حاکمیت اراده.....
- ۱۰۸..... (۲) اصل نسبی بودن آثار قراردادها.....
- ۱۰۹..... (۳) اصل لزوم عقد.....
- ۱۰۹..... (۴) قاعده استایل ناشی از سند.....
- ۱۱۰..... بند دوم: حدود اعتبار سند عادی نسبت به اشخاص ثالث.....
- ۱۱۰..... الف: اعتبار مندرجات اسناد عادی به عنوان مبنا و مبداء تعهدات نسبت به اشخاص ثالث.....
- ۱۱۱..... ب: اعتبار مندرجات اسناد عادی به عنوان مبنا و مبداء حقوق نسبت به اشخاص ثالث.....
- ۱۱۲..... ج: اعتبار مندرجات اسناد عادی به عنوان مبنای قابلیت استناد نسبت به اشخاص ثالث.....
- ۱۱۳..... گفتار هشتم: حدود اعتبار تاریخ سند عادی.....**
- ۱۱۵..... بند اول: اصل اعتبار تاریخ سند عادی.....
- ۱۱۶..... بند دوم: اصل اعتبار تاریخ سند عادی نسبت به طرفین و قائم مقام آنان.....
- ۱۱۶..... بند سوم: اصل عدم اعتبار تاریخ سند عادی نسبت به اشخاص ثالث.....
- ۱۱۷..... الف: اعتبار تاریخ به عنوان عامل ظهور بی اعتباری معامله مندرج در سند.....

ب: نتیجه.....	۱۲۲
گفتار نهم: حدود اعتبار اضافات، الحاقات و منضمات سند عادی.....	۱۲۳
بند اول: حدود اعتبار اضافات.....	۱۲۳
الف: اعتبار اضافات متضمّن نقل و انتقالات جدید.....	۱۲۳
ب: اعتبار اضافات متضمّن امور بی اعتبار کننده متن اصلی.....	۱۲۴
ج: اعتبار اضافات متضمّن امور کامل کننده متن اصلی.....	۱۲۵
بند دوم: حدود اعتبار ملحقات.....	۱۲۶
بند سوم: حدود اعتبار منضمات.....	۱۲۷
گفتار دهم: حدود اعتبار رونوشت یا تصویر سند عادی.....	۱۲۷
بند اول: حدود اعتبار رونوشت یا تصویر غیر مصدّق.....	۱۲۷
بند دوم: حدود اعتبار رونوشت یا تصویر مصدّق.....	۱۲۸
بند سوم: حدود اعتبار کاربن.....	۱۲۹
بند چهارم: حدود اعتبار سواد مصدّق مطابق بایست دفتر.....	۱۳۰
بند پنجم: حدود اعتبار اسناد عادی گواهی امضاء شده.....	۱۳۰
گفتار یازدهم: حدود اعتبار مراسلات پستی و مراسلات دستگاه‌های الکترونیکی.....	۱۳۱
بند اول: حدود اعتبار نامه.....	۱۳۱
بند دوم: حدود اعتبار تلگراف.....	۱۳۲
بند سوم: حدود اعتبار دورنویس.....	۱۳۲
گفتار دوازدهم: حدود اعتبار نسخ متعدّد سند واحد.....	۱۳۳
بند اول: فواید تنظیم نسخ متعدّد از سند عادی واحد.....	۱۳۴
گفتار سیزدهم: حدود اعتبار سند خارجی در ایران.....	۱۳۶
گفتار چهاردهم: حدود اعتبار ترجمه سند عادی.....	۱۳۸
بند اول: اعتبار ترجمه اسناد عادی پیوست دادخواست.....	۱۳۹
بند دوم: اعتبار ترجمه اسناد توسط مترجمین رسمی و مورد وثوق دادگاه.....	۱۳۹
مبحث سوم: مقاومت سند در برابر تعرضات.....	۱۴۱
گفتار اول: مقاومت سند در برابر تعرضات منتسب الیه.....	۱۴۲
بند اول: دفاعیات شکلی.....	۱۴۲
الف: ادعای جعل.....	۱۴۲
ب: اظهار انکار.....	۱۴۲
ج: اظهار تردید.....	۱۴۳
بند دوم: دفاعیات ماهوی.....	۱۴۴
الف: امور کاشف بی اعتبار کننده سند.....	۱۴۴
۱) بطلان مسند.....	۱۴۴
۲) بطلان سند.....	۱۴۴

ب: امور ناقل بی اعتبار کننده سند.....	۱۴۵
۱) اقاله.....	۱۴۵
۲) فسخ.....	۱۴۵
۳) انفساخ.....	۱۴۵
۴) تحقق مفاد سند.....	۱۴۵
بند سوم: دفاعیات اعتباری.....	۱۴۵
الف: عدم قابل استناد بودن سند در دعوا.....	۱۴۵
ب: عدم رعایت نظم عمومی.....	۱۴۵

گفتار دوم: مقاومت سند در برابر دفاعیات اشخاص ثالث..... ۱۴۶

مبحث چهارم: مقاومت سند در برابر تعارضات..... ۱۴۶

گفتار اول: تعریف تعارض..... ۱۴۶

گفتار دوم: شرایط ضروری تحقق تعارض..... ۱۴۸

۱) وجود حداقل دو دلیل معتبر.....	۱۴۸
۲) تنافی و تکذیب یکدیگر.....	۱۴۸
۳) وحدت موضوع.....	۱۴۹
۴) حجیت ادله.....	۱۴۹

گفتار سوم: تعارض سند عادی با اقرار..... ۱۴۹

مقدمه اول: هدف دادرسی مدنی فصل فصل خصومت است.....	۱۵۰
مقدمه دوم: هدف دادرسی مدنی کشف حقیقت است.....	۱۵۰
نتیجه:.....	۱۵۰
بند اول: تعارض اقرار با سند عادی مقرر.....	۱۵۱
بند دوم: تعارض اقرار مرکب با سند عادی مقررله.....	۱۵۲
بند سوم: تعارض اقرار مقید با سند عادی مقررله.....	۱۵۲
بند چهارم: نتیجه.....	۱۵۳

گفتار چهارم: تعارض سند عادی با سند رسمی..... ۱۵۳

بند اول: موارد مصرّحه لزوم تنظیم سند رسمی.....	۱۵۳
الف: موارد مصرّحه لزوم تنظیم سند رسمی عقد تشریفاتی است.....	۱۵۳
ب: موارد مصرّحه لزوم تنظیم سند رسمی عقد رضایی است.....	۱۵۴
بند دوم: سایر معاملات.....	۱۵۶

گفتار پنجم: تعارض سند عادی با سند عادی دیگر..... ۱۵۷

بند اول: تعارض دو بیع نامه عادی.....	۱۵۸
بند دوم: تعارض بیع نامه عادی با قولنامه عادی.....	۱۵۸
بند سوم: تعارض بیع نامه عادی با اجاره نامه عادی.....	۱۵۹
بند چهارم: تعارض بیع نامه عادی با رهن عادی.....	۱۶۱

گفتار ششم: تعارض سند عادی با شهادت..... ۱۶۲

بند اول: تعارض سند عادی با شهادت مورد استناد اطراف سند..... ۱۶۲

الف: اثبات خلاف مفاد یا مندرجات اسناد..... ۱۶۲

ب: اثبات سایر امور مربوط به اسناد..... ۱۶۶

بند دوم: تعارض سند عادی با شهادت در سایر دعاوی..... ۱۶۷

بند سوم: تعارض سند عادی با شهادت بر شهادت..... ۱۶۸

گفتار هفتم: تعارض سند عادی با امارات..... ۱۶۸

بند اول: تعارض سند عادی با اماره قانونی..... ۱۶۹

بند دوم: تعارض سند عادی با اماره قضایی..... ۱۷۰

الف) تعارض سند عادی با کارشناسی..... ۱۷۱

ب) تعارض سند عادی با معاینه محل..... ۱۷۳

ج) تعارض سند عادی با تحقیق محلی..... ۱۷۴

گفتار هشتم: تعارض سند عادی با سوگند..... ۱۷۵

بند اول: تعارض سند عادی با سوگند بتی..... ۱۷۵

بند دوم: تعارض سند عادی با سوگند تکمیلی (شهادت منضم به سوگند)..... ۱۷۶

بند سوم: تعارض سند عادی با سوگند استظهاری..... ۱۷۷

گفتار نهم: تعارض سند عادی با اصول عملیه..... ۱۷۸

مبحث پنجم: مقاومت سند در برابر تزاحمات..... ۱۷۹

گفتار اول: تعارض سند عادی با عملیات اجرایی..... ۱۷۹

بند اول: توقیف مال، مقدم بر تاریخ بیع نامه عادی مثبت انتقال همان اموال توقیف شده است..... ۱۸۰

بند دوم: توقیف مال، مؤخر بر تاریخ بیع نامه عادی مثبت انتقال همان اموال توقیف شده است..... ۱۸۱

الف: تحلیل تراحم بین سند عادی و عملیات اجرایی در عقود رضایی..... ۱۸۱

ب: تحلیل تراحم بین سند عادی و عملیات اجرایی در عقود تشریفاتی..... ۱۸۱

بند سوم: تحلیل تراحم در بیع املاک ثبت شده..... ۱۸۱

الف: بیع املاک ثبت شده عقد تشریفاتی است..... ۱۸۱

ب: بیع املاک ثبت شده عقد رضایی است..... ۱۸۲

نتایج..... ۱۸۳

پیشنهادات..... ۱۸۵

فهرست منابع و مراجع..... ۱۸۶

((فهرست علانم اختصاری))

آئین نامه ها :

- آئین نامه اجرایی قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۷ (آ.ا.ق.ز.ش.)
- آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء مصوب ۱۳۸۶ (آ.ا.م.ا.ر.)
- آئین نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۴۹ (آ.د.ا.ر.)
- آئین نامه قانون ثبت مصوب ۱۳۱۷ (آ.ق.ث.)
- آئین نامه ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۲۳ (آ.م.۲۹۹.ق.ا.ح.)
- آئین نامه قانون ثبت املاک مصوب ۱۳۱۷ (آ.ق.ث.ا.)

اساس نامه ها :

- اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری مصوب ۱۹۴۵ (ا.د.ب.د.)

کنوانسیون ها :

- کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ (ک.ب.ب.ک.)

قوانین :

- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۱۸ (ق.ق.آ.د.م.)
- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ (ق.ق.آ.د.م.)
- قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ (ق.ا.ا.م.)
- قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ (ق.ا.ش.)
- قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ (ق.ا.)
- قانون اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض مصوب ۱۳۵۱ (ق.ا.ث.و.ا.م.م.)
- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ (ق.ا.م.ا.ق.م.)
- قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ (ق.ا.ح.)
- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (ق.ت.)
- قانون تملک آپارتمانها اصلاحی ۱۳۵۹ (ق.ت.آ.ا.)
- قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ (ق.ث.)
- قانون ثبت اصلاحی ۱۳۵۱ (ق.ث.ا.)
- قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ (ق.د.ا.)

- قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتر یاران مصوب ۱۳۵۴ (ق.د.ا.ر.و.ک.س.و.د.)
- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۳۹ (ق.ر.م.و.م. ۱۳۹۹)
- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ (ق.ر.م.و.م. ۱۳۵۶)
- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶ (ق.ر.م.و.م.)
- قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ (ق.ز.ش.)
- قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحی ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲ (ق.ص.چ.)
- قانون عملیات بانکی بدون ربا و الحاق دو تبصره به آن مصوب ۱۳۵۶ (ق.ا.م.۱۵.ق.ع.ب.ب.ر.و.ا.د.ت.ب.آ.)
- قانون قنوت مصوب ۱۳۰۹ (ق.ق.)
- قانون لغو مالکیت اراضی موات مصوب ۱۳۵۸ (ق.ل.م.ا.م.)
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (ق.م.ا.)
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (ق.م.)
- قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ (ق.م.ف.)
- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ (ق.م.م.)
- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ (ق.ن.ا.م.)
- قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸ (ق.ن.خ.و.ت.ا.و.ا.)

سایر موارد :

- جلد (ج)
- چاپ (چ)
- رجوع کنید به (ر.ک.)
- شماره (ش)
- صفحه (ص)
- صفحات (صص)

مقدمه

یکی از مسائل مهم در علم حقوق، مسأله اثبات حق است؛ زیرا ادعای حق بدون اثبات آن مؤثر نیست یا به عبارتی حق اثبات نشده، دارای ارزش حقوقی نیست، چون تابع اصل عدم قرار گرفته و دادرسی عدم وجود حق را استصحاب می‌کند (استصحاب عدمی). پس هر حقی ابتدا نیازمند اثبات است، حال آنکه اثبات حق، بدون دلیل امکانپذیر نیست. یکی از دلایل احصاء شده اثبات حق در قانون مدنی، سند است. سند یا به عبارتی "نوشته" به دو دسته رسمی و عادی تقسیم می‌شود و بر اساس ماده ۱۲۸۹ ق.م. هر سندی که رسمی نباشد، عادی است. پس سند عادی می‌تواند مصادیق متعددی در عالم خارج داشته باشد که این اطلاق و عموم مصادیق آن، ضرورت تبیین هرچه بیشتر این دلیل تمهیدی اثبات حق را ایجاب می‌نماید.

با این همه تفاوتی که مقنن از حیث اثباتی بین اسناد رسمی و عادی قائل شده، به حق است؛ ولی این تعقل مقنن به منظور حفظ حقوق اشخاص ثالث در تنظیم مواد قانونی را، نباید اماره بی اعتباری اسناد عادی دانست، بلکه باید مواد اختصاص یافته به این اسناد را، هماهنگ با ماهیت حقوقی آن به عنوان یک دلیل تأمینی حافظ صیغه عقود، متناسب با روح قوانین که همان شرع مقدس اسلام است، تفسیر نمود تا جایگاه اسناد عادی کاملاً شناخته شود.

چگونه می‌توان چنین اسنادی را بی اعتبار دانست! درحالیکه مبنای حقوق خصوصی، اصل حاکمیت اراده است و آنچه مشخص می‌کند، برای معامله سند رسمی تنظیم شود یا سند عادی! همان اراده اطراف معامله است. بنابراین قانونگذار نمی‌تواند روابط حقوقی مردم را محدود و متکلف گرداند و آنان را جز در موارد استثنایی، مجبور به تنظیم سند رسمی کند. در منابع فقهی نیز هر عقدی به صرف انشای صیغه، منعقد می‌شود؛ بی آنکه از اسناد سخن به میان آید. لذا شایسته است بر مبنای اصل «حمل فعل مسلم بر صحت» و «لزوم معاملات» تا آنجا که ضرری متوجه اشخاص ثالث نیست، اسناد عادی را معتبر دانسته و هماهنگ با نیازهای بشر عمل کنیم؛ زیرا حقوق پویا از جامعه برمی‌خیزد و بی آنکه متروک شود در جامعه اجرا می‌شود.

گذشته از این اقتضات حقوقی، نباید زندگی در جهان امروز را به عنوان واقعیتهایی که همپوشی حقوقی لازم دارد، نادیده گرفت. زیرا بشر خواهان سرعت و تسهیلات، همواره به دنبال پذیرش راهی امین برای نیل به مقصود است و ارتباطات گسترده تجاری بین‌المللی، او را ناگزیر به معامله با ناشناخته‌ترین افراد در دورترین اماکن می‌کند. حال آنکه اصل سرعت و انگیزه‌های سوداگرانه، او را گریزان از تنظیم سند رسمی با آن همه تشریفات می‌نماید و همواره او را به سوی تنظیم سند عادی برای معاملاتش سوق می‌دهد. در نتیجه اسناد عادی تنظیم شده از

چنان کثرتی برخوردار هستند که بی اعتبار دانستن آن‌ها، جامعه امروز را با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌کند.

گذشته از این مباحث، نتیجه خاصی که این تحقیق به دنبال آن است؛ چیزی نیست جز ارائه راهکاری که با آن، نه تنها قدرت اثباتی اسناد عادی یا به عبارتی نقش این اسناد در اثبات مدنی مشخص می‌شود، بلکه با ارائه این راهکار، دارنده سند عادی اطمینان می‌یابد که حق مثبت خود را می‌تواند با این دلیل ثابت کند و سند عادی با سند رسمی تفاوتی از نظر ثبوت حق ندارد؛ جز محدودیت‌هایی در اثبات حق، که بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت و حتی با برخی روش‌های حقوقی، اعتباری برابر با اسناد رسمی به آن خواهیم بخشید.

موضوع تحقیق :

این نوشتار در صدد تعیین جایگاه سند عادی در میان ادله اثبات دعوا، با وجود رقاباتی قدرتمند چون سند رسمی و شهادت است که امروزه آن را با چالش‌هایی روبه‌رو نموده است، زیرا از یک طرف حجم عمده‌ای از دعاوی مطروحه در دادگستری مربوط به اعمال حقوقی تأمین شده در اسناد است و از طرف دیگر عموم اسناد تنظیم شده در جامعه، عادی است. این درحالی است که هر عقدی به صرف صیغه، واقع می‌شود و سربازدن از تعهدات آن به سهولت امکانپذیر است. لذا تنها دلیلی که در اثبات سراسر محدودیت مدنی می‌تواند احقاق حق نماید، سند عادی است که امروزه با وجود اختلاف نظرها درباره اعتبار یا عدم اعتبار آن، حذف محدودیت‌های اثباتی شهادت شهود و تصریح قوانین خاص به ضرورت تنظیم سند رسمی در برخی موارد، وجاهت گذشته خود را از دست داده است.

باید توجه داشت که سؤال‌ها از دغدغه‌ها برمی‌خیزند و از نظر علمی به هیچ دغدغه‌ای نمی‌توان پاسخ داد مگر اینکه آن دغدغه مطابق با منطق آن علم، تبدیلی به سؤالی هدفمند شده و در پاسخ به آن سؤال فرضیه‌سازی شود. یکی از دغدغه‌هایی که ضرورت این تحقیق را ایجاد می‌نماید، حذف محدودیت‌های اثباتی شهادت شهود با حذف مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ ق.م. است، زیرا با حذف محدودیت‌های اثباتی شهادت شهود، اختلاف نظرها درباره اعتبار یا عدم اعتبار ماده ۱۳۰۹ ق.م. نه تنها دانش‌پژوهان علم حقوق، وکلا و قضات را با مشکلات عدیده روبه‌رو نمود. بلکه حقوق مرتبط افراد با این اسناد را نیز با چالش‌هایی همراه نمود.

دغدغه دیگری که سند عادی را با چالش روبه‌رو می‌نماید، ظهور سند رسمی در قوانین خاص است. زیرا در مورد املاک دارای سابقه ثبتی، دولت فقط کسی را مالک می‌شناسد که ملک یا انتقال آن در دفتر املاک به نام او ثبت شده است. وصول به این مهم با تنظیم سند

رسمی میسر می‌شود، ولی از آنجایی که تنظیم سند رسمی، مستلزم تشریفات و اخذ استعلامات لازم از مراجع مختلف است، امکان تنظیم آن در لحظه انشای عقد وجود ندارد، لذا افراد اصولاً بیع خویش را با تنظیم سند عادی تأمین نموده و سپس مقدمات و تشریفات سند رسمی را تدارک می‌بینند؛ اصولاً در این فاصله اختلاف حادث می‌شود و طرفین بر اساس همان سند عادی، ناگزیر به طرح دعوا می‌شوند.

مهمترین دغدغه‌ای که ضرورت این تحقیق را ایجاب می‌نماید، مسائل و مشکلاتی است که افراد جامعه و محاکم قضایی در ارتباط با اسناد عادی دارند. عمده این مسائل مربوط به ناآگاهی‌ها درباره تحولات اسناد عادی، ماهیت آن، مصادیق آن و تعارض آن با سایر ادله است. به علاوه اطراف عقود در زمان تصالح بدون فکر به لحظه ترافع، بدون مشورت و برخورداری از دانش حقوقی کافی، اغلب به ذکر کلیات اکتفا نموده و گاه با ذکر شروط و قیود مبهم و متعارض، وصول به حقوق خویش و دادرسی این اسناد را با مشقت و اطاله روبه‌رو می‌نمایند.

مجموع این دغدغه‌ها ضرورت تبیین سؤالاتی درباره تحولات اسناد عادی، مزایا و چالش‌های آن، تعیین ماهیت و حدود اعتبار آن، شناخت مصادیق آن و تعارض آن با ادله دیگر را ایجاب می‌نماید.

هر چند در مقام پاسخ به این سؤالات در وهله نخست، فرضیه «عدم اعتبار سند عادی»، در مواجهه با این چالش‌ها به ذهن می‌رسد، ولی با کمی تأمل متوجه می‌شویم که سند عادی به عنوان یک دلیل عرفی هرچند به دلیل ظهور سند رسمی با چالش‌هایی مواجه شد، ولی به دلیل مزایایی که داشت، هنوز هم مورد تمایل عمومی است و هماهنگ با مبانی فقهی حاکم بر عقود، جایگاه خود را در قوانین موضوعه یافته و برخلاف نظر اکثر حقوقدانان اصولاً معتبر است مگر بی اعتباری آن در محاکم ادعا و اثبات شود. به علاوه با ظهور دیدگاه جدید کشف حقیقت در عرصه دادرسی‌های مدنی، امکان تعارض سند عادی با هر دلیلی وجود دارد. هر چند سند عادی به عنوان یک دلیل اصلی، اصولاً مانع اجرای امارات و اصول عملیه می‌شود و در ترتیب دلایل در قانون مدنی بر ادله اقماعی و تکمیلی، مقدم است، ولی در نهایت قناعت وجدان قاضی است که مشخص خواهد نمود، کدام دلیل غالب است و کدام مغلوب؟

لذا این نوشتار با «روش کتابخانه‌ای» درصدد تبیین چهره‌ای قابل فهم از سند عادی، برای عموم افراد جامعه است تا هر شخص غیر مشرف به اطلاعات حقوقی نیز بتواند عالمانه به تمهید دلیل برای معاملات خویش مبادرت و الفاظی هماهنگ با اراده خویش در سند مکتوب نماید، نه اینکه فرم‌های چاپی و الفاظ حقوقی نامفهوم را بی مطالعه امضاء کند. به علاوه این نوشتار به

منظور احیای حقوق منتفع سند عادی و اتقان معامله مندرج در آن، این اسناد را با ذکر دلایلی معتبر دانسته و محاکم را به عنوان مرجع تظلم‌خواهی به کشف حقیقت رهنمون ساخته است تا دارندگان سند رسمی نتوانند از قدرت اثباتی اسناد خویش سوء استفاده نموده و لزوم معاملات را تابع اراده خویش قرار دهند.

پیشینه تحقیق :

هرچند اهمیت و عمومیت سند عادی به عنوان یک دلیل اثبات مدنی، برکسی پوشیده نیست ولی حقوقدانان تاکنون رسالت خویش را نسبت به آن ایفا ننموده‌اند، زیرا هرچند حجم عمده‌ای از پژوهش‌های خویش را به «**آیین دادرسی مدنی**» و «**ادله اثبات دعوا**»، اختصاص داده‌اند، ولی تاکنون کتاب مدوتی یافت نشده است که صرفاً نقش اسناد عادی را در اثبات مدنی، مورد پژوهش قرار داده باشد، از طرف دیگر هر یک از این حقوقدانان نیز به صورت پراکنده، تئوری و برحسب ضرورت، صرفاً به ذکر کلیاتی در مورد سند عادی اکتفا نموده و سپس دادرسی این اسناد را مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به مجموع تألیفات اساتید بزرگ حقوق، همچون «**دکتر عباس کریمی**»، «**دکتر عبدالرسول دیانی**» و... با عنوان «**ادله اثبات دعوا**» اشاره نمود. همچنین «**دکتر عبدالله شمس**» نیز در جلد ۳ «**آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**»، به تفصیل دادرسی اسناد را مورد بررسی قرار داده است. البته حقوقدانان دیگری نیز این مباحث را مورد تحقیق قرار داده‌اند که ذکر نام همه این بزرگان، از حوصله این نوشتار خارج است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در حقوق ایران، تنها کتابی که در آن به این موضوع پرداخته شده است، کتابی است با عنوان «**ادله اثبات دعوا**» تألیف «**دکتر عباس زراعت**» که در آن حدود اعتبار سند عادی در چندین مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. به علاوه در مورد اصل اعتبار یا بی اعتباری سند عادی نیز اساتید بزرگ حقوق به فراخور موضوع مباحثی ارائه نموده‌اند که از جمله می‌توان به تألیفات مدافعان «اصل اعتبار سند عادی»، با عنوان: «**اثبات ودلیل اثبات**»، «**دکتر ناصر کاتوزیان**»؛ «**ادله اثبات دعوا**»، «**دکتر امیرحسین شیخ‌نیا**»؛ «**ادله اثبات دعوا در حقوق ایران**»، «**دکتر سیدمحسن صدرزاده‌افشار**»؛ «**دانشنامه حقوقی**»، «**دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی**» و... اشاره نمود. در مقابل مدافعان «اصل عدم اعتبار سند عادی» نیز با تألیفاتی همچون «**حقوق مدنی**»، «**دکتر سیدحسن امامی**» و «**ادله اثبات دعوا**»، «**دکتر محمد عظیمی**»، به بیان آراء خویش پرداخته‌اند.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در حقوق کشورهای عربی، کاملترین کتابی که در آن به این موضوع پرداخته شده است، کتابی است با عنوان «**السندات العادية و دورها فی الإثبات المدنی**»